

نقض سیستماتیک بر امر حق زیستن اعدام و محکوم به اعدام

اعدام

اعدام پنج نفر در زندان مرکزی ارومیه

<http://www.hra-news6.info/1389-01-28-00-30-11/2760-1.html>

صبح گاه روز گذشته پنجشنبه 24 تیرماه، پنج شهروند در محوطه ی زندان مرکزی ارومیه اعدام شدند. به گزارش آژانس خبری موکریان، نام افراد اعدام شده فیصل ساعدي، کرم عزيزي، امید نوراني، عبدالرحمان رندي و علي ساربان مي باشند. اتهام این افراد از سوی مراجع قضایی قاچاق مواد مخدر عنوان شده اما هیچ مرجع مستقلی این اتهامات را تایید نکرده است. (آژانس خبری موکریان - 89/4/25)

قتل خودسرانه

تجاوز و قتل در تبریز به بهانه مبارزه با بدحجابی

<http://www.hra-news6.info/1389-01-27-05-26-53/2680-1.html>

سه عضو نهاد شبه نظامی بسیج با سوء استفاده از مدارک شناسایی خود، دختر جوانی را در شهر تبریز ربوده و پس از ضرب و شتم و تعرض و تجاوز به وسیله سلاح گرم او را به قتل رسانده و جسد وی را در بیرون شهر رها کرده اند...

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، پس از مفقود شدن دختر جوانی در شهر تبریز با نام الناز - ب. 26 ساله، خانواده او مراتب مفقود شدن وی را به تمامی نهادهای مربوطه اطلاع دادند و پس از یک هفته تجسس جسد وی در پزشکی قانونی در حالی که پزشکی قانونی پس از آزمایشات از تعرض، ضرب و شتم، تجاوز و قتل به وسیله شلیک سلاح گرم را تایید می کرد به خانواده تحویل داده شد.



نیروهای انتظامی محل کشف جسد را اطراف گورستان امامیه تبریز اعلام نمودند.

با اعلام شکایت خانواده نیروهای انتظامی سه شهروند تبریزی عضو فعال بسیج را بازداشت نمودند که متهم ردیف اول در اداره آگاهی به تمام موارد فوق اعتراف نمود. وی اذعان نمود که با عنوان امر به معروف و تذکر بابت بدحجابی که در قالب طرح "حجاب و عفاف" از سوی بسیج و نیروی انتظامی تعریف می شود وارد خودروی این دختر جوان در منطقه ولیعصر تبریز می شود و سپس با تهدید وی با سلاح گرم و سوار نمودن دو

تن دیگر از دوستان خود وی را به خارج شهر کشانده و مورد سوء استفاده قرار می دهند. و پس از این اقدام با شلیک سه گلوله به ناحیه سینه نامبرده را از پای در می آورند. در حال حاضر گفته می شود متهم اصلی این پرونده به دلیل حساسیت موضوع، در اختیار سپاه پاسداران است. عضویت وی در نیروی شبه نظامی بسیج، حمل سلاح گرم، حضور نیروهای رده بالایی سپاه در خانواده وی و همینطور استفاده از کارت شناسایی و عنوان طرح مبارزه با بدحجابی به حساسیت های این موضوع در افکار عمومی افزوده است. (هرانا - 89/4/20)

تداوم کشتار شهروندان مرزنشین کرد

<http://www.hra-news6.info/1389-01-27-05-25-54/2705-1.html>

روز یکشنبه بیستم تیرماه، یکی از شهروندان کرد مناطق مرزی غرب کشور، بر اثر تیراندازی مستقیم نیروهای انتظامی از پای درآمده و جان خود را از دست داد. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، نیروهای انتظامی در منطقه مرزی "بایه وه" شهر مریوان تعدادی از شهروندان مرزنشین این منطقه را به بهانه حمل کالای قاچاق به رگبار می بندند که بر اثر آن یکی از این شهروندان کشته می شود. گفتنی است از هویت فرد کشته شده اطلاعی در دست نیست. نیروهای انتظامی به بهانه ی جلوگیری از ورود کالای قاچاق سالانه دست به کشتار سیستماتیک بسیاری از شهروندان مناطق مرزی غرب کشور می زنند. (هرانا - 89/4/22)

مرگ در بازداشت

در پی عدم رسیدگی پزشکی/ مرگ یک زندانی در زندان رجایی شهر کرج

یکی از زندانیان عادی محبوس در زندان رجایی شهر کرج که به بیماری "ایدز" مبتلا بوده به دلیل عدم رسیدگی پزشکی مسئولان زندان، جان خود را از دست داده است. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، داریوش ارجمند که به مدت 2 سال در سلول انفرادی نگهداری می شد، پس از تحمل شرایط ناگوار جسمی، نهایتاً مورخ 30 خردادماه سال جاری در یکی از سلول های انفرادی بند یک زندان رجایی شهر کرج، جانش را از دست می دهد. داریوش ارجمند هیچ گاه از خدمات درمانی بهره مند نشد و تنها وی را به دلیل ابتلا به بیماری خاص "ایدز" جداسازی کرده بودند. شایان ذکر است که زندان رجایی شهر عموماً و بند یک خصوصاً از لحاظ نبود بهداشت محیط و عدم رسیدگی پزشکی وضع بسیار وخیمی دارد. (هرانا - 89/4/24)

جزئیات بیشتر (فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران - 89/1/25)

بنابه گزارشات رسیده به "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران" زندانی داریوش ارجمند ماه ها است که در سلولهای انفرادی بند 1 زندان گوهردشت کرج معروف به سگدونی زندانی است. داریوش ارجمند 40 ساله که محکوم به 19 سال زندان می باشد نزدیک به 25 ماه است که در سلولهای انفرادی بند 1 معروف به سگدونی بسر می برد. آقای ارجمند بدلیل درگیری با افسر جانشین زندان بنام منصور که چند ماه پیش در خارج از زندان به خاطر مسائل مالی در درگیری به قتل رسید به سلول انفرادی منتقل شد و همچنان در شرایط وحشتناک و قرون وسطایی بسر می برد.

زندانی داریوش ارجمند در سلول انفرادی نگهداری می شود که از داشتن نور طبیعی و حتی لامپ در سلولش محروم است. او ناچار است که از سلولش بعنوان سرویس بهداشتی استفاده کند و همچنین می بایست در همان سلول استحمام نماید در حالی که این سلول بسیار کوچک و فاقد چنین امکاناتی است. زخمهای زیادی بر روی بدن این زندانی وجود دارد ولی از انتقال او به بهداری خوداری می کنند و حتی داروهای لازم به این زندانی داده نمی شود که زخم هایش را پانسمان کند. این زندانی از داشتن لباس کافی محروم است و لباسهایش مندرس و پاره می باشند. بوی تعفن که از سلول انفرادی این زندانی بر می خیزد باعث اذیت و آزار سایر زندانیان که در سلولهای انفرادی این سالن زندانی هستند می شود. غذای این زندانی در حد زنده ماندن است.

او تا به حال چند بار اقدام به خودکشی کرده است در آخرین باری که اقدام به خودکشی نمود چندین ساعت به حال خود رها شد که با اعتراض سایر زندانیان نجات یافت. یکی از زندانیان سیاسی وضعیت این زندانی را به کسانی که تحت عنوان بازرس مراجعه می کنند تشریح کرد و از او خواست که به سلول این زندانی مراجعه کند و خود شاهد شرایط وحشتناک و غیر قابل تصور این زندانی باشد ولی این فرد با این استدلال که این زندانی مبتلا به ویروس ایدز است و خطرناک می باشد از بازدید سلول این زندانی خوداری نمود.

حکم اعدام

خطر اعدام برای یک نوجوان بلوچ

<http://www.hra-news6.info/1389-01-27-05-25-54/2653-1.html>

یک نوجوان بلوچ که هفت ماه قبل توسط نیروهای امنیتی ربوده شد، در خطر اعدام قرار دارد.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، محمد صابر ملک ریسی فرزند مولوی داد رحمان سربازی، 15 ساله و اهل شهرستان سرباز، به اتهام همکاری با یک گروه معاند نظام بازداشت شده است.

ماموران امنیتی محمد صابر ملک را تحت فشار قرار داده اند تا به ارتباط با یک گروه معاند نظام به نام جندالله اعتراف نماید، آن ها هم چنین در تماس با خانواده وی از ایشان خواسته اند در صورت عدم معرفی برادر بزرگ وی که در گروه جندالله عضویت دارد وی را اعدام خواهند کرد.

شایان ذکر است، مسئولان قضایی علی‌رغم گذشت هفت ماه از بازداشت این زندانی، تاکنون هیچ حکمی اتم از قرار بازداشت موقت یا حکم دادگاه، برای وی صادر نکرده اند. (هرانا - 89/4/19)

حکم سنگسار

سنگسار در ایران: وحشیگری محض و مطلق

سنگسار در زندگی تاریک و عقب مانده در ایران، در مناطق روستایی انجام می‌گیرد، جایی که مردم بیشتر محافظه کارند و جاییکه هیچ رسانه‌یی وجود ندارد. این عمل به ندرت بطور علنی انجام می‌گیرد و اغلب قربانیان این شکل وحشیانه مجازات مرگ، به خاطر جرمشان - زنا یا محصنه یا همجنس بازی - از سوی فرزندان به این دلیل که آبروی خانوادگی شان را لکه دار کرده اند انکار می‌شوند. روزنامه (گاردین) یک هفته قبل فاش ساخت که سکینه محمدی آشتیانی، یک زن 43 ساله که متهم به داشتن روابط نامشروع در خارج از ازدواج می‌باشد در تبریز با مرگ قریب الوقوع توسط سنگسار روبرو است. امروز ما 15 نفر دیگر را که با چنین سرنوشتی روبرو هستند را معرفی کردیم. چیزی که مورد سکینه را غیر عادی می‌سازد این است که پسرش سجاد و دخترش فریده آنقدر شجاعت داشتند تا بطور علنی بر علیه آن صحبت کنند...

این نوع مرگ به خودی خود به طور غیرقابل تصویری بیرحمانه است: مردان تا کمر در چاله‌یی دفن می‌شوند و اگر بتوانند در طی سنگسار خودشان را از آن بیرون بکشند محکومیت مرگ ملغی می‌گردد، ولی زنان تا گردنشان در چاله دفن می‌شوند ...

تماشای مردانی که به یک زن بی دفاع سنگ پرتاب می‌کنند - سنگی که آنقدر بزرگ باشد تا صدمه بزند و آنقدر کوچک نباشد که در مرگ تاخیر اندازد - آنقدر تنفر انگیز است که قابل نمایش برای حضار بیشتر ایرانی نیست و گزارشات سنگسار در ایران سانسور می‌گردد...

بر خلاف دیگر وجوه زندگی ایرانی ها، جاییکه افکار عمومی جهان هیچ تاثیری ندارد، جمهوری اسلامی از توجهات بین المللی که سنگسار جلب کرده، شرمسار گشته است. تبلیغات باعث ایجاد تفاوتی شده است... (گاردین - 89/4/18)

لاریجانی از سنگسار دفاع می‌کند

دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه با اشاره به همه گسترده روزهای اخیر رسانه‌های غربی در مورد حکم صادره علیه یک مجرم محکوم شده در دستگاه قضایی گفت: نظام قضایی ما نمی‌تواند بدلیل این تهاجمات غرب و فشارهای رسانه‌ای مسیر خود را تغییر دهد.

به گزارش جهان محمد جواد لاریجانی در گفتگو با ایرنا با بیان این مطلب تاکید کرد: همه رسانه‌ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران در هر

زمان به بهانه ای انجام می‌شود و در سالهای اخیر نیز احکام شرع مقدس اسلام، سوژه این تهاجمات تبلیغی بوده است... محمد جواد لاریجانی در پاسخ به این سؤال که چرا هجمه رسانه‌های غربی در این رابطه بسیار زیاد بوده است، گفت: هجمه‌ای که غرب در این رابطه به راه انداخته، هیچ تاثیری در نظر قضات ما ندارد. اجرای احکام شرع مقدس اسلام مثل رجم، حجاب و ارث همواره با تخاصم و قیحانه آنها روبه رو بوده و اساسا هر مساله‌ای که بوی احکام شرعی داشته باشد با مخالفت آنها روبه رو می‌شود.
(سایت تابناک (رژیم) - 89/4/19)

سه مرد و یازده زن در آستانه سنگسار

<http://www.hra-news6.info/685/1389-01-27-05-27-21/2677-1.html>

از آنجایی که سنگسار وصله بشدت ناجوري است که با فرهنگ مردم ایران ناسازگار است و افکار عمومی مردم ایران و جهان بشدت به مخالفت با آن می‌پردازد، قوه قضائی بشدت به پنهان کاری در این مورد پرداخته و سنگسار در گورستانها و یا محل های دورافتاده به صورت مخفی انجام می‌گیرد. گاه جنازه فرد سنگسار شده به خانواده داده نمی‌شود. حتی واژه «سنگسار» در مطبوعات و رسانه های ایرانی ممنوع شده است. راهکار حکومت در مورد سنگسار این است که پنهانی و بدون سر و صدا سنگسار کنید! و دستور جدید این است که اگر در اجرای سنگسار با مشکل فشار افکار عمومی مواجه شدید، اعدام کنید!... اکنون بیم آن می‌رود که افراد محکوم به سنگسار هرچه سریعتر یا در خفا سنگسار شوند، و یا به خاطر فشارهای موجود بین المللی مجازات جایگزین اعدام بگیرند و حلق آویز شوند که پرونده ها بسته شود و سروصداها بخوابد. زیرا تا هنگامی که افراد محکوم به سنگسار زنده هستند و در زندان بسر می‌برند، تلاش های شدید و گسترده برای نجات جان آنان ادامه دارد. از این رو بیم آن می‌رود که حکومت جمهوری اسلامی برای اینکه نشان دهد که استقلال عمل کامل داشته و به واکنش غربی ها بهایی نمی‌دهد، به سرعت همه محکومین به سنگسار را به شیوه سنگسار و یا حلق آویز نابود کند و پرونده های آنان را ببندد و همگان را در مقابل عمل انجام شده قرار دهد... لیست کامل کسانی که در حال حاضر به اتهام "زناي محصنه" - یعنی داشتن همسر و برقراری رابطه جنسی با فردی غیر از همسر - در زندان به سر می‌برند، در زیر آمده است.

تبریز

- کبری بابائی - مادر یک دختر ۱۳ ساله است. وکیل: محمد مصطفایی توضیح: همسر وی، رحیم محمدی در سال ۱۳۸۸ به جرم زنا اعدام شد.
- سکینه محمدی آشتیانی - ۴۳ ساله، مادر دو فرزند، فریده ۱۹ ساله و سجاد ۲۲ ساله. وکیل: محمد مصطفایی

توضیح: یک بار محکوم به ۹۹ ضربه شلاق شده و حکم در مورد وی اجرا شده است. دوباره به خاطر همان جرم محکوم به سنگسار شده است. فرزندان وی نامه ای خطاب به مردم جهان نوشته و خواستار نجات جان مادرشان شدند.

- آذر باقري - ۱۹ ساله، وکیل: دارد

توضیح: در ۱۵ سالگی با شکایت همسرش زندانی و در دادگاه محکوم به سنگسار شده است.

- مریم قربان زاده - ۲۵ ساله . وکیل: دارد

ارومیه

- سریمه عبادي (یا سریمه سجادي) - ۳۱ ساله ، مادر دو فرزند. وکیل: نامعلوم

- بوعلی جانفشانی - ۳۳ ساله، دارای یک فرزند. وکیل: نامعلوم

توضیح: این زن و مرد از سوی دادسرای عمومی شهر ارومیه در یک پرونده متهم به اتهام زنای محصنه به سنگسار محکوم شده بودند که حکم سنگسار هر دوی آنان در ۱۶ دی ماه ۱۳۸۸ در شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان غربی تایید شد و اکنون در زندان مرکزی ارومیه به سر می برند.

اهواز

- ایران اسکندري - ۳۱ ساله، مادر یک پسر ۱۳ ساله. وکیل: نامعلوم

توضیح: ایران زنی است از طایفه های بختیاری که در ازدواج اجباری به عقد پسرعمویش درآمده. شوهرش ماه به ماه به خانه نمی آمده است. با پسر همسایه رابطه نامه نگاری و گپ تلفنی داشته و روزی که با هم مشغول گفتگو بودند، شوهرش از دیوار وارد حیاط می شود و به او حمله می کند و او را بشدت کتک می زند. پسر همسایه به کمک او آمده و شوهر را با چاقو به قتل می رساند. وی در تاریخ ۱۸ فروردین ۱۳۸۴ در دادگاه بدوی در خوزستان به پنج سال حبس تعزیری به دلیل معاونت در قتل و اجرای حد شرعی رجم به خاطر زنا محکوم می شود. این حکم در دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۹ فروردین ۸۵ عینا مورد تایید قرار گرفت. با توجه به شرایط فرهنگی منطقه، ایران اگر از زندان هم آزاد شود، احتمال اینکه از سوی مردان خانواده اش به قتل برسد، بسیار زیاد است.

- خیریه والانیا - ۴۲ ساله، مادر چند فرزند. وکیل: نامعلوم

توضیح: دلیل محکومیت خیریه این است که ۴ بار به زنا اعتراف کرده است. وی می گوید که قربانی خشونت خانگی بوده و با مردی که شوهرش را کشته رابطه داشته است، اما در قتل شوهرش دخالتی نداشته، اما به اتهام معاونت در قتل محکوم شده است. شعبه سوم دادگاه عمومی بهبهان در اردیبهشت ۱۳۸۱ خیریه را به اجرای حد رجم (سنگسار) بابت زنای محصنه صادر کرده است. خیریه می گوید: «حاضر اعدام شوم، ولی سنگسارم نکنند. خفه ات می کنند و می میری؛ ولی خیلی سخت است که هی با سنگ بزنند توی سر آدم!» او مطمئن است که اگر آزاد شود، هیچ جایی ندارد برود و برادرانش او را خواهند کشت.

تهران

- اشرف کلهری - ۴۱ ساله. وکیل: نامعلوم

توضیح: اجرای حکم سنگسار اشرف به دستور رئیس قوه قضائیه وقت، آقای شاهرودی، متوقف شد و ایشان هنوز در زندان اوین است. وکیل ایشان در گذشته شادی صدر بود که اکنون در خارج کشور بسر می برد.

- فاطمه - سن: نامعلوم. وکیل: نامعلوم.

توضیح: فاطمه در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۴ در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه و به اتهام مباشرت در قتل عمدی و رابطه نامشروع به قصاص و رجم محکوم شد. شوهر فاطمه با مردی به نام محمود که خاطرخواه فاطمه بوده و وارد خانه آنها شده بوده، درگیر می شود و به کمک فاطمه او را به قتل می رساند. "اصغر" شوهر این زن به اتهام معاونت در قتل عمدی و جنایت بر میت به تحمل ۱۶ سال زندان محکوم شده است.

مشهد

- زنی به نام م. خ. - سن: نامعلوم. وکیل: نامعلوم
 - زنی با نام فامیلی هاشمی نسب - سن: نامعلوم. وکیل: نامعلوم
- توضیح: این دو زن در زندان وکیل آباد مشهد بسر می برند.

رشت

- محمد علی نوید خمایی- نام پدر: صفر. وکیل: نامعلوم
- توضیح: در خردادماه ۱۳۸۷ محکوم به سنگسار شد.

ساری

- سید نقی احمدی - سن: نامعلوم. نام وکیل: ابراهیم محمدزاده

توضیح: در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ سه نفر از پنج نفر قضات شعبه دوم دادگاه کیفری استان مازندران حکم به محکومیت آقای سید نقی احمدی به سنگسار می دهند. در این پرونده آقای احمدی متهم به زناي محصن با خانم پوران. ق بوده است. در دادنامه صادره آمده است که آقای احمدی متهم ردیف اول که در مجاورت منزل پوران سکونت داشته در غیاب شوهر پوران که محل کارش در سمنان بوده است شبانه وارد منزل وی شده و با پوران زنا کرده است. از جمله دلایل انتساب اتهام: ۱- گزارش اداره امر به معروف و نهی از منکر ۲- اقرار پوران ۳- اقرار سید نقی احمدی بوده است به عبارت دیگر تنها دلیل اثبات ادعای زناي به عنف اقرار متهمین می باشد که در نهایت دادگاه سید نقی را به اتهام زناي محصن با توجه به علم قاضی به تحمل رجم (سنگسار) و پوران را نظر به اینکه به شوهرش به علت عدم حضوری دسترسی نداشته و به دلیل عدم تجمع ارکان زنا، از این اتهام تبرئه می نماید. دو نفر از مستشاران شعبه صادرکننده رای براین عقیده بوده اند که هر دو متهم باید تبرئه شوند. پس از اعتراض به حکم صادره، این حکم در شعبه ۳۳ دیوانعالی کشور ارسال می گردد و حکم تایید می شود.

دلیل محکومیت: علم قاضی

یک نکته قابل توجه این است که در مورد همه ی این افراد، هیچ دلیل موجه و سندی برای ثابت کردن باصطلاح "جرم زنا" وجود ندارد، و دلیل محکومیت بیشتر آنان "علم قاضی" است. یعنی با وجود این که هیچ سند و مدرک و شاهی در اثبات جرم وجود ندارد (دست کم چهار شاهد برای اثبات زنا ضروری است) قاضی با "علم" خودش تشخیص می دهد که این فرد زناکار است. جالب اینکه در دادگاه های ایران قاضی نمی تواند با علم

خودش تشخیص دهد که مثلا فردي چک بي محل صادر کرده و او را زنداني کند، اما مي تواند با علم خود تشخیص دهد که او زنا کرده و او را به سنگسار محکوم کند.

در برخي موارد، فرد با تهديد و شکنجه مجبور به اعتراف مي شود و به جاي وجود چهار شاهد، کافي است که چهار بار اعتراف کند و بگويد که زنا کرده است تا محکوم به سنگسار شود. اين هم بدین معناست که ماموران انتظامي و مسئولان قضايي به گونه اي فرد را وادار مي کنند که به زنا اعتراف کند.

وکیل مدافع؟

با توجه به اینکه بیشتر افراد محکوم به سنگسار از قشرهاي محروم اجتماعي هستند، بیشتر آنها از دسترسي به وکیل مدافع از ابتدای پرونده محروم بوده و از همین رو بدون آگاهی به پیامد هاي اعتراف، اتهام زنا را مي پذیرند تا از فشار مسئولین راحت شوند بدون آنکه بدانند پایان کار، سنگسار است. از آنجايي که بنا به قوانین ایران، در پرونده هايي که مجازات سنگسار يا اعدام در انتظار متهم است داشتن وکیل ضروري است، براي محکومين به سنگسار وکیل تسخيري در نظر گرفته مي شود که متاسفانه بسياري از آنان به دليل بي تجربگي يا اهميت ندادن به پرونده قادر به دفاع شايسته از موکل خود نيستند. کسانی که در چند سال گذشته سنگسار شدند

دستگاه قضائي حکومت جمهوري اسلامي حق نظارت بر عملکرد خویش را براي شهروندان قائل نيست. از اين رو، تعداد کامل و اسامي کسانی که پرونده ي آنها به ديوانعالی کشور رفته و حکم سنگسار آنها تاييد و اجرا شده است، نامعلوم است. اما کسانی را که دست کم ما از سنگسار آنها از سال ۱۳۸۵ به اين سو آگاهی داریم، به شرح زیر هستند.

مشهد

- محبوبه محمدي که گفته مي شود با تهديد و شکنجه اعتراف به زنا کرده بود، در اردیبهشت ۸۵ به همراه عباس حاجي زاده سنگسار شد.
- عباس حاجي زاده در اردیبهشت ۸۵ در مشهد سنگسار شدند.
- سه مرد در هفته اول ديماه ۱۳۸۷ در گورستان بهشت رضا در مشهد سنگسار شدند. يکي از آنها به نام محمود که تبعه افغانستان بود توانست از گودال در حالیکه بشدت مجروح بود فرار کند. دو نفر ديگر يکي به نام هوشنگ خداده و ديگري نامعلوم، سنگسار شدند.

قزوین

- جعفر کیانی که بخاطر کمپین ، رئیس قوه قضائيه دستور داده بود سنگسارش متوقف شود، با دستور قاضي محلي در روستاي آنچه کند نزدیک تاکستان قزوین در تیر ۸۶ سنگسار شد.

رشت

- ولي آزاد، اهل پارس آباد مغان، به جرم زنای محصنه در تاريخ ۱۵ اسفند ۸۷، ۵ مارس ۲۰۰۹، در رشت به صورتي مخفي سنگسار شد. جنازه محکوم نیز تحویل خانواده او نشد. حکم سنگسار توسط قاضي حجت الاسلام کاشاني در شعبه ۱۱ دادگاه کيفري استان و قاضي جاويدنيا دادستان عمومي و انقلاب صادر و اجرا شد. اما زني که با وي در اين اتهام شریک

بود مورد عفو قرار گرفت. سنگسار ولي آزاد توسط سخنگوي وقت قوه قضائيه، عليرضا جمشيدى، بطور رسمي مورد تايد قرار گرفت.

كساني كه به جاي سنگسار، اعدام شدند

بايد ياد آوري شود كه تعداد و اسامي كامل افرادي كه در رابطه با حكم سنگسار حلق آويز شده اند، مشخص نيست و آنچه در پي مي آيد، بيانگر اين است كه آگاهي ما تنها محدود به اين موارد زير است.

ساري

• عبدالله فريور- ۵۳ ساله، زندان ساري - اين معلم موسيقي در تاريخ ۱ اسفند ۱۳۸۷ اعدام شد.

شيراز

• افسانه رحمانى - زندان عادل آباد، شيراز - در سال ۱۳۸۸ اعدام شد.

تبريز

• رحيم محمدي - شوهر كبري بابايي - در مهرماه ۱۳۸۸ اعدام شد.

تهران

• بنا به گزارش هاي تايد نشده، زني به جرم زنا در سال ۱۳۸۷ در يك اتاق در بسته در زندان اوين اعدام شد... (اخبار روز - 89/4/20)

اعدام يك سكينه آشتياني در انتظار دستور رئيس قوه قضائيه

<http://www.rajanews.com/detail.asp?id=54825>

مالك اژدرشريفى رئيس دادگستري آذربايجان شرقى گفت دستگاه قضايى در اجراي قوانين و مقررات مصمم است و هر زمان رياست محترم دستگاه قضايى مصلحت بدانند، بدون توجه به جوسازي رسانه هاي غربى حكم وي را اجرا خواهد كرد.

رئيس دادگستري آذربايجان شرقى با اشاره فضا سازي رسانه هاي غربى و مدعيان دروغين حقوق بشر عليه كشورمان

و گفت: خود آنها بزرگترين ناقض حقوق بشر و جنايت عليه بشريت هستند. (رجا نيوز - 89/4/20)



مريم قربان زاده يك زن حامله محكوم به سنگسار

به گزارش كميته بين المللى عليه اعدام، در زندانى كه سكينه محمدي آشتياني بسر مي برد، دو زن ديگر محكوم به سنگسار هستند. يكي از آنها مريم قربان زاده است. مريم ۲۵ سال دارد و به اتهام رابطه جنسى خارج از ازدواج به سنگسار محكوم شده است. مريم حامله است و از مردم دنيا انتظار دارد به او كمك كنند.

حكومت زن ستيز اسلامى، در سالهاي اخير در نتيجه اعتراضات بين المللى مجبور به لغو احكام سنگسار بر عليه حداقل ۱۳ زن شد و در مواردى

آنها را با زدن صد ضربه شلاق آزاد کرده است. يكي از اين زنان كبرا بابايي بود كه بعد از لغو حكم سنگسار، صد ضربه شلاق به او زدند و

سپس او را آزاد كردند و طبق خبري كه به كميته بين المللى عليه

اعدام رسیده، نخاع كبرا بعد از اين ضربات شلاق آسيب ديده و او

نمیتواند راحت راه برود. فرزندان او میگویند، دردهای شدید و آثار این شلاق زدن، زندگی مادر آنها را بسیار سخت کرده است. (کمیتة بین المللی علیه اعدام - 89/4/24)

اعمال ضد بشري و مجازاتهاي بیرحمانه

قطع عضو، شلاق، شکنجه، تحقیر و توهین

ایجاد شرایط طاقت فرسا همانند اردوگاه های هیتلری برای زندانیان در زندان گوهردشت کرج

از روز شنبه 21 تیرماه مسیر فاضلاب سالن 18 (طبقه همکف) بند 6 مسدود شده است و آب فاضلاب بند در کریدور این سالن جاری است و نزدیک به 10 سانت آب فاضلاب تمامی کریدور را فرا گرفته است. در طی این چند روز آب فاضلاب سالن های 16 (طبقه دوم) و 17 (طبقه اول) به درون سالن 18 یا طبقه همکف جریان می یابد. علیرغم گذشت چند روز از بوجود آمدن چنین شرایط غیر انسانی که با اعتراضات مستمر زندانیان مواجه بوده است ولی تا به حال برای حل این مشکل هیچ اقدامی صورت نگرفته است. در این بند نزدیک به 3 برابر ظرفیتش زندانی جای داده اند و در حدود 800 زندانی در آن بسر می برد. جاری شدن آب فاضلاب و پوشاندن تمامی کریدورها و حتی جاری شدن به درون سلولها علیرغم ایجاد موانع توسط خود زندانیان مسئلی سلامتی زندانیان را در معرض خطر جدی قرار داده است. بوی تعفن و گرمای زیاد شرایط را برای زندانیان اسیر و بی دفاع طاقت فرسا کرده است و امکان آرامش نسبی زندان را از آنها گرفته است. زندانیان در طی این مدت امکان استفاده از سرویسهای بهداشتی، استحمام و غیره از آنها سلب شده است. آنها با خطر جدی بروز بیماری مختلف ناشی از آب فاضلاب مواجه هستند و تمرکز تعداد زیادی از زندانیان در یک محل می تواند یک فاجعه را در این زندان رقم بزند.

رئیس بند 6 فردی بنام شکری است که چند روزی است در این بند حاضر نشده است و اکثراً در مرخصی و مشغول معاملات شخصی خود می باشد. او علاوه بر این شغل فرش فروش می باشد و اکثر مواقع به فرش فروشی اشتغال دارد. این فرد همان کسی است که در یورش اخیر و شکنجه معلم زندانی رسول بدایقی مستقیماً نقش داشت. از طرفی دیگر حسنیه این بند مملو از زندانی است و زندانیان بصورت کتابی شبها در کنار هم استراحت می کنند. در حال حاضر نزدیک به 210 زندانی در این حسنیه زندانی هستند. شپش و بیماریهای پوستی و سایر بیماریها در آنجا بیداد می کند. بدلیل نبود فضای کافی زندانیان ناچار هستند که در کریدورهای بند 6 زندان گوهردشت استراحت کنند و در هر کریدور نزدیک به 50 نفر شبانه در آن استراحت می کنند.

زندانیان بی دفاع و اسیر از داشتن امکانات خنک کننده محروم هستند. آنها همچنین از آب سرد و سالم محروم می باشند و باید آب گرم شیر را مصرف کنند آن هم در گرمای بیش از 40 درجه حرارت است. زندانیان از امکانات اولیه محروم هستند و شرایط بهداشتی، غذایی، درمانی آنها فاجعه بار است. شرایط حاکم بر این زندان یادآور اردوگاههای مرگ هیتلری است. (فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران - 89/4/24)

در پی عدم رسیدگی پزشکی به زندانیان بند 350 / شرایط نامساعد جسمی سینا گلچین و وحید اصغری

<http://www.hra-news6.info/1389-01-27-05-27-21/2752-1.html>

سلامت جسمانی سینا گلچین و وحید اصغری، دو تن از زندانیان محبوس در بند 350 زندان اوین، به دلیل عدم رسیدگی پزشکی، در معرض خطر جدی قرار گرفته است. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، سینا گلچین و وحید اصغری، دو تن از بازداشت شدگان حوادث پس از انتخابات که به عفونت شدید گوش مبتلا هستند به دلیل عدم وجود متخصص در بهداری زندان، تاکنون تحت هیچ گونه درمانی قرار نگرفته اند. سینا گلچین، دانشجوی رشته ی عمران دانشگاه آزاد تهران- مرکز است که 17 دی ماه سال گذشته به اتهام شرکت در راهپیمایی 6 دی ماه (عاشورا) توسط نیروهای امنیتی در منزلش بازداشت شد. قاضی صلواتی این دانشجوی 20 ساله که فاقد سابقه بوده را به 8 سال حبس تعزیری محکوم کرد که این حکم در دادگاه تجدید نظر به 4 سال و 6 ماه حبس تقلیل یافت. وحید اصغری نیز از بازداشت شدگان پس از انتخابات است که مدتی را در سلول های انفرادی بند 240 محبوس بوده و هم اکنون نیز در بند 350 (معروف به بند کارگری) نگهداری می شود. (هرانا - 89/4/25)

اعتصاب غذای ارژنگ داوودی در زندان رجایی شهر کرج

ارژنگ داوودی زندانی محبوس در زندان رجایی شهر کرج، دست به اعتصاب غذا زد.

ارژنگ داوودی از روز چهارشنبه 23 تیرماه در اعتراض به شرایط نامساعدش در بند 3 که چندی است به منظور اعمال محدودیت بیش تر به آن منتقل شده، اعتصاب نموده است.

به گزارش فعالین حقوق بشر و دموکراسی، این زندانی سیاسی مدت یک ماه است که از برقراری تماس با خانواده اش منع شده است.

هم چنین یکی از انگشتان دست آقای داوودی که دچار شکستگی شده، قریب به 3 ماه است که متورم



و عفونی شده اما مسئولان نسبت به درمان وی بی تفاوت هستند.

گفته می شود به تازگی نیز منزل ارژنگ داوودی که محل سکونت خانواده ی وی بوده است به دستور ماموران وزارت اطلاعات پلمب و سپس به فروش می رسد و ایشان بر همین اساس بی سرپناه می شوند.

ارژنگ داوودی که از سال 1382 تاکنون در زندان محبوس است، به تحمل 15 سال حبس تعزیری محکوم است. (فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران - 89/4/24)

دستگیریهای خودسرانه

دستگیریهای سیاسی

بازداشت نعمت اسدی، دبیر اخراجی آموزش و پرورش کردستان

<http://www.hra-news6.info/1389-01-09-08-12-36/2689-1.html>

نعمت اسدی، فرزند حبیب الله، دبیر اخراجی آموزش و پرورش کردستان، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، حدود 20 روز پیش نعمت اسدی، دبیر اخراجی رشته حسابداری و از فعالین مدنی بسیار کوشای سنندجی بار دیگر توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی اش دستگیر شد.

مأموران ضمن تفتیش منزل و ضبط کیس کامپیوتر، کتاب ها و یادداشتهای ایشان خانواده ی وی را نیز تهدید نموده اند که در صورت انعکاس موضوع با عواقب ناگوار آن روبرو خواهند شد.

گفتنی است پیگیری های خانواده وی تاکنون نتیجه ی در پی نداشته و نتوانسته اند از مکان نگهداری و علت بازداشتش مطلع شوند. (هرانا - 89/4/21)

بازداشت آزاد خوانچه زر و صدور احکام حبس برای فعالان مدنی مریوان

<http://www.hra-news6.info/00/2700-1.html>

آزاد خوانچه زر، از فعالان سیاسی - مدنی، که از سوی دادگاه انقلاب شهر مریوان به تحمل 6 ماه حبس تعزیری و 2 سال تعلیقی محکوم شده بود، جهت اجرای حکم، در روز یکشنبه 20 تیرماه احضار و بازداشت شد.

این در حالی است که وی در اردی بهشتماه سال گذشته بازداشت شده و پس از تحمل دومه ماه حبس در بازداشتگاه های اطلاعات شهرهای مریوان و سنندج با تودیع وثیقه 20 میلیون تومانی آزاد شده بود.

به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، وی و دیگر فعالان مدنی بازداشت شده در بازداشتگاه های مریوان و سنندج تحت فشارهای جسمی و روحی شدید قرار دارند.

هم چنین کاروان درسید، مظفر روخنده و نجیبه سبحانی از دیگر فعالان مدنی و سیاسی شهر مریوان نیز از سوی دادگاه انقلاب این شهر با احکام حبس روبرو شده اند.

مظفر روخنده و کاروان در سید، هریک به دوسال حبس تعلیقی محکوم شده اند. حکم دادگاه نجیبه سبحانی هنوز به وی ابلاغ نشده اما گزارشها حاکی از "فسردگی شدید وی" در پی فشارهای ناشی از دوران زندان است. نامبردگان، همگی از فعالان شناخته شده شهرهای مریوان و سنندج، در زمینه دفاع از حقوق کودکان، زنان و کارگران هستند. (رهانا - 89/4/22)

زندان

شرایط زندان

عدم وجود امکانات سرمایشی در اتاق زنان زندانی سیاسی با وجود گرمای شدید

در حالی که هیات دولت، کشور را برای دو روز با بهانه گرما تعطیل کرده است، اتاق متعلق به زندانیان سیاسی بند زنان اوین، هیچ گونه امکانات سرمایشی در اختیار ندارند و حتی از داشتن آب خنک نیز محروم هستند.

بنا به گزارش رسیده به جرس، نداشتن آب و وسایل خنک کننده، گرچه موضوع جدیدی در این اتاق نیست، اما این روزها و با توجه به افزایش شدید دما، نبود این امکانات باعث شده تا حال بسیاری از زندانیان وخیم شود و از شدت بی‌حالی و گرمادگی توان تکان خوردن نداشته باشند.

افزایش جمعیت در سلول نیز، باعث شده تا گرما بیش از پیش به این زندانیان فشار آورد. (جرس - 89/4/21)

بیش از 7 ماه بلاتکلیفی بازاری زندانی در بند مخوف 209 زندان اوین

<http://pejvakzendanyan.blogfa.com/post-1621.aspx>

بنابه گزارشات رسیده به "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران" بازاری زندانی محمد بنازاده امیرخیزی ماه ها است که در بند 209 زندان اوین تحت شرایط غیر انسانی و در بلاتکلیفی بسر می برد.

بازاری زندانی محمد بنازاده امیرخیزی 63 ساله از بازاریان تهران که با یورش مامورین وزارت اطلاعات به محل کارش دستگیر و به سلولهای انفرادی بند 209 زندان اوین منتقل شد. او چند ماه در سلولهای انفرادی قرار داده شد و در طی این مدت تحت شکنجه های جسمی و روحی برای وادار کردن وی به اعترافات دروغین و مصاحبه تلویزیونی قرار داشت.



بازاری زندانی بیش از 7 ماه است که در بند مخوف 209 زندان اوین در بازداشت بسر می برد. شدت فشارها و اذیت و آزارها به حدی شدید است

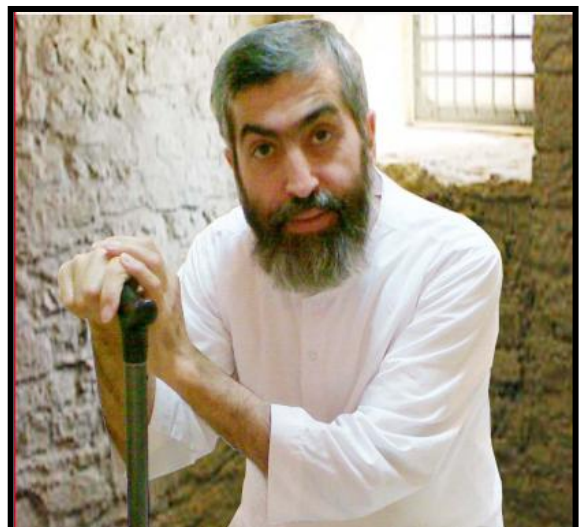
که آقای بنازاده نزدیک به 17 کیلو دچار کاهش وزن شده است. علیرغم گذشت چند ماه از بازداشتش هنوز در بلاتکلیفی بسر می برد. او در سلولی قرار داده شده است که فاقد وسائل خنک کننده است و علاوه بر شرایط قرون وسطایی از عوامل طبیعی برای تحت فشار قرار دادن زندانیان سیاسی بهره می گیرند.

بازجویی و شکنجه این بازاری توسط سربازجویان وزارت اطلاعات که با نامهای مستعار علوی و سعید شیخان است صورت می گیرد. این دو جنایتکار علیه بشریت سال ها است که در شکنجه و جنایت علیه مردم ایران در بند 209 زندان اوین مشغول به جنایت هستند. علوی همچنین در هجوم به منازل و دستگیری زندانیان سیاسی شرکت می کند. این فرد خانواده های زندانیان سیاسی را مورد تهدیدات تلفنی و حضوری، بازداشتها موقت و بازجویی های طولانی مدت قرار می دهد.

خانواده بنازاده امیرخیزی مستمرا به دادستانی تهران، زندان اوین و دادگاه انقلاب برای روشن کردن وضعیت و شرایط عزیزشان مراجعه می کنند اما هیچ کدام از ارگانهای سرکوبگر پاسخ مشخصی به این خانواده نمی دهند.

لازم به یادآوری است که آقای محمد بنازاده امیرخیزی ۶۳ ساله در ۹ آذرماه با یورش مامورین وزارت اطلاعات به محل کارش دستگیر و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. برادر او جانبخته راه آزادی علی بنازاده امیرخیزی در دهه ۱۳۶۰ بخاطر هواداری از سازمان مجاهدین اعدام شد. همسر وی خانم شهلا زرین فر بدلیل دیدار با فرزندش در قرارگاه اشرف به یک سال زندان محکوم شد که با سپری کردن محکومیت غیر قانونی و غیر انسانی آزاد شد. در حال حاضر خواهر آقای بنازاده زندانی سیاسی کبری بنازاده امیرخیزی بدلیل قصد دیدار با فرزندانش خود در قرارگاه اشرف در زندان گوهردشت کرج زندانی است. پیش از این برادران او آقایان اصغر و حمید بنازاده بدلیل دیدار با فرزندانش خود در قرارگاه اشرف به ۲ سال زندان محکوم شده بودند که مدتی پیش پس از پایان یافتن محکومیتشان آزاد شدند.

در حال حاضر علاوه بر آقای امیرخیزی، تعداد دیگری از بازاریان تهران در بند ۳۵۰ زندان اوین زندانی هستند، که از جمله آنها آقایان محسن دکه چی و جواد لاری که علیرغم گذشت ماه ها ولی هنوز در بلاتکلیفی بسر می برند. (فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران - 89/4/22)



قطع طولانی مدت ملاقاتهای آقای بروجردی

<http://pejvakzendanyan.blogfa.com/post-1627.aspx>

از 23 اسفند 1388 تا کنون 4 ماه تمام است که آقای بروجردی، از حق ملاقات حضوری محروم می باشد و از آنجا که ایشان بر اثر شکنجه ها و عدم درمان، بخش عظیمی از بینائی خود را از دست

داده، لذا ملاقات کابیني را نیز نمی پذیرد. بدیهی است هفته ای نیم ساعت ملاقات حضوری با خانواده برای یک زندانی که 4 سال پیاپی بدون حتی یک روز مرخصی، تحت انواع شکنجه های روحی و جسمی قرار داشته، بسیار لازم و ضروریست، ولی مستبدین حاکم بر ایران برای آزار بیشتر مخالفین خود، آنها را از این حداقل حقوق اولیه نیز محروم می کنند.

مسئولین تا کنون توضیح رسمی درباره قطع ملاقاتهای این دگراندیش زندانی نداده اند.

ولی بنابر گزارشات موثق از دادگاه ویژه روحانیت، بعد از انتشار گسترده رساله آقای بروجردی در رد ولایت فقیه و بیانیه های اعتراضی در محکوم کردن جنایات سردمداران نظام و افشای نقض حقوق بشر در زندانهای ایران، محدودیتها بر وی افزایش یافت.

هواداران آقای بروجردی (فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران - 89/4/23)

کبودوند با بیهوشی کامل به درمانگاه زندان اوین منتقل شد

<http://www.hra-news6.info/1389-01-27-05-27-21/2735-1.html>



محمدصدیق کبودوند رئیس سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، پس از بیهوشی در بند 350 زندان اوین به درمانگاه این بند انتقال داده شد.

خانواده آقای کبودوند از طریق تماس تلفنی یکی از هم بندی های وی، از بیهوشی کبودوند و انتقال به درمانگاه جهت معاینه وی مطلع شده اند.

به گزارش سازمان حقوق بشر کردستان، با توجه به دوبار سکت قلبی ناقص ایشان در طی چهار سال گذشته، لاغری و رنگ پریدگی چهره کبودوند که در ملاقات های کابیني اخیر بیش از پیش نمایان شده بود، این خبر

خانواده کبودوند را دچار شوک و نگرانی شدیدی نموده است. (سازمان حقوق بشر کردستان - 89/4/24)

نگرانی از ورود مواد مخدر به بند 350 زندان اوین

<http://www.hra-news6.info/1389-01-27-05-27-21/2751-1.html>

توزیع مواد مخدر در بند 350 زندان اوین، موجب نگرانی و اعتراض خانواده های زندانیان سیاسی این بند شده و ایشان نسبت به این موضوع اظهار نگرانی می کنند و احتمال می دهند سو نیتی در این کار دخیل باشد.

به گزارش کلمه، این اتفاق در حالی رخ داده که مدت هاست از خانواده های زندانیان سیاسی هیچ کتابی برای عزیزانشان پذیرفته نمی شود و کتابخانه بند 350 و سالن بسیار کوچک ورزشی آن نیز به دستور صداقت رییس زندان اوین و با همکاری مصطفی بزرگ نیا رییس بند 350 تعطیل

شده و در عین حال مواد مخدر توسط زندانیان عادی به این بند راه پیدا می کند. خانواده زندانیان سیاسی می پرسند چطور ورود کتاب به زندان ممنوع است اما ورود مواد مخدر ان هم این گونه علنی هیچ مشکلی ندارد... گزارش ها حاکی از آن است که یکی از زندانیان مالی این بند که روابط نزدیکی با رییس بند 350 دارد پس از اینکه چند بار قصد توزیع شیشه و حشیش را بین زندانیان سیاسی داشت، با اعتراض آنان به این وضعیت روبرو و پس از آن به بند دیگری منتقل شده است. اما این اعتراض آن ها منجر به قطع این کار نشده است و هم چنان از کانال های مختلف مواد مخدر به ویژه شیشه و حشیش وارد این بند می شود. با اینکه هم اکنون مواد مخدر در بیرون از زندان با قیمت بسیار گزافی خریداری می شود، این مواد داخل زندان بسیار ارزان رد و بدل می شود.

طبق گزارش منابع آگاه شخصی به نام "م.ن" وکیل بند مالی عامل توزیع و ترویج مواد مخدر در زندان است. آن چه باعث تعجب زندانیان سیاسی شده، این است که این زندانی مالی از همه مفاد اغلب پرونده های زندانیان سیاسی آگاه است و با وجود زندانی بودن از امکانات ویژه و نامحدودی در زندان برخوردار است. (کلمه - 89/4/25)

حکم زندان

محکومیت پنج ساله یک زن زندانی در روند غیر قانونی بازجویی

<http://www.hra-news6.info/00/2687-1.html>

خانم ناهید ملک محمدی 59 ساله مادر دو فرزند 31 و 28 ساله با گذشت بیش از شش ماه از زمان بازداشت با دریافت بی دلیل حکم، محکوم به 5 سال حبس تعزیری شد و در حال حاضر در بند نسوان زندان اوین تحمل کیفر می نماید.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ایشان در تاریخ دهم دی ماه سال گذشته و پس از حوادث 6 دی ماه (عاشورا) هنگام دستگیری همسرش علی اصغر محمودیان توسط نیروهای امنیتی در ساعت 2 با مداد بدون حکم بازداشت دستگیر و بند 209 سلول انفرادی زندان اوین منتقل می شود.

نامبرده در طی مراحل بازجویی با تحت فشار قرار گرفتن و اعلام دروغین پذیرش شرکت در تظاهرات بعد از انتخابات توسط همسرش، اتهاماتی به ایشان القا و مجبور به پذیرش شرکت در تظاهرات می نماید در صورتی که چنین عملی نه توسط ایشان و نه توسط همسرش انجام نشده است و در پرونده بازجویی همسر ایشان نیز چنین مسئله ای وجود ندارد اما بازجویان وزارت اطلاعات در بازجویی ها به خانم ملک محمدی اعلام می کنند همسر ایشان به شرکت در تظاهرات اعتراف نموده که این مسئله دروغ و بی اساس است...

لازم به ذکر است، نامبرده پیشتر در تیر ماه سال 60 دستگیر و به مدت 20 روز در بازداشت گاه پل رومی در بین زندانیان معتاد و فروشندگان

مواد مخدر در بدترین شرایط و تحت انواع شکنجه ها و شدیدترین ضرب و شتم قرار گرفته که یک نمونه آن اعدام مصنوعی در اطراف بیابان های مجموعه ورزشی آزادی بوده است و این همه در حالیست که ایشان دو ماهه باردار بوده و جهت جلوگیری از ضرب و شتم و آزار و اذیت بارها به مسئولین مسئله بارداری را یادآوری می شود که هیچ تاثیری در رفتار خشونت آمیز آنان نداشته است و سپس به اوین منتقل و مجدداً تحت بازجویی و ضرب و شتم قرار می گیرد و در نهایت پس از گذشت حدود 16 ماه در تاریخ 61/6/22 بعد از متولد شدن فرزندش در زندان و پس از دستگیری همسرش بدون تفهیم اتهام و رسیدگی پرونده در مراجع قضایی و بدون حضور در دادگاه آزاد می شود. (هرانا - 89/4/21)

حکم زندان برای چهار شهروند کرد

در پی تشدید فضای امنیتی در کردستان و دستگیری شمار زیادی از فعالان کرد توسط نیروهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی، 4 شهروند کرد به نامهای نعمت اسحاقی، پشتیوان آسم، لقمان منفردی و صباح خیات هر یک به تحمل گذارندن سالهای طولانی در زندان شدند.

نعمت اسحاقی که در تاریخ 1388/9/13 در شهر کامیارن توسط اداره اطلاعات این شهر دستگیر و به بازداشتگاه اطلاعات شهر سنندج انتقال داده شد که در دادگاه شهر سنندج به اتهام همکاری با یکی از احزاب کرد مخالف رژیم به 12 سال زندان محکوم شد.

پشتیوان آسم اهل روستای هنیمن از توابع شهرستان کامیاران در تاریخ 1388/9/10 در شهر سقز توسط نیروهای امنیتی این شهر دستگیر و بعد از 2 ماه بی خبری نامبرده در بازداشتگاه اطلاعات شهر سنندج زیر شدیدترین شکنجه های ممکن بوده و در دادگاه انقلاب شهر سنندج به اتهام همکاری با یکی از احزاب کرد مخالف رژیم به 15 سال زندان محکوم شد.

لقمان منفردی در شهر کامیارن توسط نیروهای امنیتی این شهر دستگیر و بعد از 3 ماه شکنجه شدید در بازداشتگاه اطلاعات شهر سنندج، در دادگاه این شهر به اتهام همکاری با یکی از احزاب کرد مخالف رژیم به 11 سال زندان محکوم شد.

صبح خیات اهل شهرستان کامیارن در تاریخ 1388/9/14 در شهر کرمانشاه توسط نیروهای امنیتی این شهر بازداشت و به اداره اطلاعات شهر سنندج منتقل و بعد از تحمل 3 ماه شکنجه در دادگاه انقلاب شهر سنندج به اتهام همکاری با یکی از احزاب کرد مخالف رژیم به 11 سال زندان محکوم شد. (کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی - 89/4/23)

سلمان سیما به شش سال حبس قطعی محکوم شد

<http://www.hra-news6.info/1389-01-27-05-26-23/2758-1.html>

شعبه 54 دادگاه تجدیدنظر حکم شش سال حبس تعزیری سلمان سیما عضو سازمان دانش آموختگان ایران را تایید کرد.



به گزارش ادواریوز، رضا زارعی وکیل سلمان سیما با اعلام این خبر گفت که درخواست تجدیدنظرخواهی نسبت به رای بدوی صادره از شعبه 15 دادگاه انقلاب اسلامی در خصوص آقای سیما که منجر به محکومیت وی به 6 سال حبس قطعی شده است از سوی شعبه 54 دادگاه انقلاب اسلامی رد شده است. (ادواریوز - 89/4/25)

نقض حقوق پایه ای

ایران تلاش می کند خود را در قتل ندا مبراء کند



عباس جواد کارگر يك عضو نیروی بسیج که متهم به شلیک و کشتن ندا آقا سلطان در يك تظاهرات مسالمت آمیز در تهران در 20 ژوئن سال گذشته بود، ادعا می کند که وی در آن روز مسلح نبود و نقشی در مرگ وی نداشته است...

در این سند جدید با عنوان، " چهارراه ها " مطرح می کند که سازمان اپوزیسیون مجاهدین خلق (ام. کا. او) در پشت قتل ندا بوده است. مقامات ایرانی مرگ ندا را "مضمون" خوانده و قتل وی را سناریوی از پیش برنامه ریزی شده به هدف بدنام کردن ایران می دانند... . در ژانویه يك فیلم مستند در تلویزیون انگلیسی زبان ایران به نام پرس.تی.وی منتشر شد که ادعا می کرد که ندا يك مأمور خارجی بود که خود صحنه مرگش را صحنه سازی کرده بود...

سازمان های حقوق بشری از دولت ایران خواستار اجازه تحقیقات مستقل در مرگ ها و سوء رفتارها که در مدت بعد از تظاهراتها از جمله تحقیقات در قتل ندا شدند... (راديو آزاد اروپا- 89/3/30)

تخریب آرامگاه جانبختگان راه آزادی دهه 60 برای محوکردن اسناد و آثار جنایت

<http://hrdai.blogspot.com/2010/07/60.html>

در چند هفته اخیر تعدادی از آرامگاه زندانیان سیاسی دهه 60 و بخصوص زندانیان سیاسی قتل عام شده در سال 67 در گورستان تازه آباد رشت

برای از بین بردن اسناد جنایت قصد محو کردن آنها را دارند. آرامگاه های تخریب شده را قطع بندی کرده اند و در حال فروش آنها هستند. همچنین بعضی از آرامگاه ها که شهدای راه آزادی در آن خفته اند بصورت دو طبقه در آورده اند و آرامگاه پایینی که مربوط به شهدای راه آزادی بطور کامل از دید مخفی کرده اند. عملیات تخریب، قطعه بندی جدید و فروش آرامگاه شهدای راه آزادی توسط مامورین وزارت اطلاعات صورت می گیرد. آنها از این طریق قصد دارند که اسناد و آثار جرم و جنایت این رژیم را از بین ببرند. مامورین وزارت اطلاعات همچنین خانواده ها را مورد تهدید و تحت فشار قرار داده اند که در مقابل تخریب و فروش آرامگاه عزیزانشان باید سکوت پیشه کنند در غیر ای صورت آنها هم دستگیر خواهند شد. خانواده های زندانیان سیاسی قتل عام شده در مقابل این عمل غیر انسانی که به آرامگاه ها عزیزانشان هم رحم نمی کنند دست به اعتراض زده اند و خواستار متوقف شدن این عمل جنایتکاران هستند. (فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران - 89/4/23)

ایران خواننده مخالف و همسرش را تحت فشار قرار می دهد

بر اساس اخبار رسیده از منابع آگاه در بابل دادستانی این شهرستان در اقدامی، عادلہ ضیائی همسر آریا آرام نژاد را به دلیل انتشار مطلبی تحت عنوان " متاسفم " ممنوع الخروج کرد. این منابع گزارش می دهند که این اقدام دادستانی در جهت افزایش فشارها به آریا آرام نژاد فعال هنری و



خواننده و آهنگ ساز در بابل است. روشنگری : عادلہ ضیائی شاعر و نویسنده که مدت هاست مجوز انتشار مطالبش از سوی وزارت ارشاد لغو شده است، در اعتراض به بازداشت همسرش اقدام به نگارش رنج نامه ای در فروردین ماه 89، تحت عنوان " متاسفم " در وبلاگ شخصی آریا آرام نژاد کرده بود که در قسمتی از این یادداشت آمده است: "متاسفم که باید بگم آریای عزیز اشتباه کرد، که فکر می کرد توی کشور عزیزش، قانون، آزادی، آه! آزادی! کرامت و عدالت، کاربردی بیشتر از یک کلمه دلفریب دارن؛ اشتباه کرد که نمی دونست اینجا ایرانه، جایی که هر اتفاقی میشه بیفته و هر کس که قدرتشو داره می تونه هر کاری بکنه!"

همچنین منابع آگاه گزارش می دهند که مدتی پس از انتشار آهنگ "علی برخیز" ساخته آریا آرام نژاد، در اقدامی غیر قانونی حساب جاری عادلہ ضیائی از سوی بانک صادرات بابل مسدود شده است. تاکنون

مسئولین بانک هیچ گونه دلیل موجه ای برای این اقدام خود ارائه ندادند و تنها حراست بانک صادرات بابل این اقدام را دستور مقامات امنیتی ذکر کرده است.

آریا آرام نژاد فعال هنری، خواننده و آهنگ ساز است که در تاریخ 88/11/26 به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به دلیل انتشار آهنگ " علی برخیز" بازداشت شده و مدت 50 روزه بازداشت خود را در بند انفرادی زندان اداره اطلاعات ساری و زندان متی کلای بابل گذراند. دادگاه آریا آرام نژاد در تاریخ 15 تیر ماه سال جاری برگزار شد. وی به دلیل عدم اجازه دسترسی به پرونده اتهامی، موفق به ارائه دفاعیات در روز دادگاه نگردید. (روشنگری - 89/4/23)

حق تحصیل

خودداری دانشگاه پلی تکنیک از اعطای مدرک کاوه امین الهی

<http://www.hra-news6.info/1389-01-27-05-26-23/2761-1.html>

دانشگاه امیرکبیر تهران از اعطای مدرک یکی از دانشجویان زندانی که اخیراً آزاد شده است ممانعت می کند.

به گزارش ادوار نیوز، کاوه امین الهی پس از اینکه برای دریافت نمرات و مدرک کارشناسی ارشد مراجعه کرده مشخص شد که دانشگاه حاضر به دادن مدرک وی نیست و تمام نمرات او را صفر اعلام کرده و دلیل آن را غیبت غیر موجه مطرح کرده است. وی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مهندسی پزشکی دانشگاه امیر کبیر که در تاریخ 29 بهمن 1388 آزاد و در تاریخ 2 خرداد 1389 تبرئه شد. (ادوار نیوز - 89/4/25)

نقض حقوق اقلیتهای مذهبی و قومی

اخراج يك دانشجوی بهایی از دانشگاه بین المللی قزوین

<http://www.hra-news6.info/1389-01-27-05-26-23/2660-1.html>

وصال ممتازی از دانشجویان بهایی دانشگاه بین المللی قزوین، به دلیل اعتقاد به آیین بهائیت، از دانشگاه محل تحصیل خود اخراج شد.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، وی پس از هفت ترم تحصیل و گذراندن 124 واحد درسی در رشته مهندسی کشاورزی - آب در اواسط خرداد ماه سال جاری هنگام امتحانات پایان ترم از دانشگاه بین المللی قزوین اخراج شد.

نامبرده طی این مدت به مراکز مختلف از جمله نماینده مجلس در شهر قزوین و وزارت علوم مراجعه نموده ولی تا کنون پاسخی دریافت نکرده است. (هرانا - 89/4/19)

بازداشت یک شهروند مسیحی در مازندران

آقای استیفان، شهروندی مسیحی اهل استان مازندران پس از احضار به اداره اطلاعات، بازداشت شد.

چندی پیش نیروهای امنیتی استان مازندران پس از مراجعه به منزل آقای استیفان، تعدادی از لوازم شخصی وی را با خود بردند و از او خواستند تا صبح روز بعد، خودش را به اداره‌ی اطلاعات معرفی کند.

به گزارش خبرنگار رهانا، وی طبق خواسته‌ی ماموران امنیتی به اداره‌ی اطلاعات مراجعه کرد و پس از بازجویی فراوان به منزل بازگشت اما به وی گفته بودند که هر وقت به شما اطلاع دادیم باید خودتان را به اداره‌ی اطلاعات معرفی کنید.

در روز شنبه، ۱۲ تیر ماه، مجدداً آقای استیفان را فرا خواندند و پس از آن او را بازداشت کردند.

بر اساس این گزارش در همان روز ۱۰ شهروند مسیحی دیگر را نیز در رشت احضار کردند ولی آنها را پس از چند ساعت باجویی آزاد کردند. (رهانا - 89/4/20)

بی‌خبری از وضعیت بهروز صادق خانجانی و همسرش در زندان

از وضعیت بهروز صادق خانجانی و فاطمه ترک کجوری، از شهروندان مسیحی بازداشت شده، هیچ خبری در دست نیست.

ماموران امنیتی ضمن اینکه از تماس بهروز صادق خانجانی و همسرش، شهروندان مسیحی بازداشت شده، از زندان با خانواده‌هایشان ممانعت به عمل می‌آورند، به منازل آنها مراجعه کرده و به صاحب خانه‌هایشان گفته‌اند که این افراد دارای مشکلات امنیتی هستند.

به گزارش خبرنگار رهانا، چندین بار پدر فاطمه ترک کجوری به زندان اوین مراجعه کرده و مسئولان در نهایت به او گفته‌اند که پنج شنبه به شما ملاقات می‌دهیم تا دخترتان را ببینید، اما در روز پنج‌شنبه که وی برای ملاقات به زندان مراجعه کرده است، اجازه‌ی ملاقات به او داده نشده است.

کشیش بهروز صادق خانجانی، ناظر کلیسای ایران بامداد، روز چهارشنبه ۲۶ خرداد در حالی که برای رایه آخرین دفاعیات خود به شیراز رفته بود، به اداره اطلاعات این شهر احضار و پس از یک بازجویی فشرده به بازداشتگاه وزارت اطلاعات منتقل شد. فاطمه ترک کجوری، همسر بهروز صادق خانجانی نیز در تاریخ ۲۸ خرداد ماه در تهران بازداشت و به زندان اوین منتقل شده است. (رهانا - 89/4/21)

بازداشت و انتقال يك بهایی به زندان برای گذراندن محکومیت 5 سال

<http://www.hra-news6.info/1389-01-27-05-24-07/2703-1.html>

داور نبیل زاده شهروند بهایی ساکن مشهد صبح روز سه شنبه 22 تیر ماه طبق احضاریه ای خود را به دایره اجرای احکام دادگاه انقلاب مشهد، معرفی و در همان محل بازداشت و برای گذراندن محکومیت 5 ساله به زندان وکیل آباد مشهد منتقل گردید.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، نامبرده به همراه هشت شهروند بهایی دیگر اهل مشهد با تشدید فشارهای يك ساله گذشته بر بهاییان ایران بر اساس پرونده مختومه ای مربوط به سال 84 در پائیز سال پیش

محاكمه و طبق رای دادگاه بدوی و تجدید نظر به 5 سال حبس تعزیری محکوم شد.

قابل ذکر است نامبرده در سال 1362 نیز يك سال به دلیل عضویت در تشکیلات بهایی دوره حبس را گذرانده است و در ضمن فرزند 22 ساله وي به نام " نورا نبیل زاده " هم بیش از دو هفته است در بازداشت اداره اطلاعات مشهد می باشد. (هرانا - 89/4/22)

خشونت علیه زنان

به وخامت گراییدن وضعت جسمی زهرا بهرامی از دستگیر شدگان روز عاشورا در بند 209

<http://pejvakzendanyan.blogfa.com/post-1620.aspx>

زندانی سیاسی زهرا بهرامی از دستگیر شدگان اعتراضات گسترده روز عاشورا است که از زمان دستگیری تاکنون در بندهای مختلف وزارت اطلاعات در بازداشت بسر می برد و در حال حاضر همراه با 2 زندانی سیاسی دیگر در سلول 13 بند مخوف 209 زندان اوین در زندان است. علیرغم گذشت بیش از 6 ماه هنوز در بند مخوف 209 زندانی است و در حالت بلاتکلیفی بسر می برد.

در طی هفته های اخیر وضعیت جسمی او حاد شده است. چهره او متورم و دچار جوشهای عفونی و زخمهای زیادی بر چهره اش عیان است. او هم همچنین از ناراحتی حاد ریه رنج می برد و در روزهای اخیر به دلیل عدم درمان وضعیت جسمی اش به وخامت گراییده است. خانم بهرامی همچنین دچار افسردگی شدیدی است.

بازجویان وزارت اطلاعات به او اتهامات محاربه و همکاری با انجمن پادشاهی و سازمان مجاهدین خلق نسبت داده اند و قصد دارند بر این مبنا او را محاکمه کنند. خانم بهرامی در زندان اوین با عباس جعفری دولت آبادی دادستان تهران ملاقات داشته است. جعفری دولت آبادی به او گفته است اول باید دادگاهی شوی و بعد از محکومیت تو را آزاد خواهیم کرد. خانم بهرامی از داشتن وکیل محروم است

زندانی سیاسی زهرا بهرامی 45 ساله و دارای 2 فرزند است. او دارای ملیت ایرانی- هلندی است و برای دیدن فرزندش به ایران مسافرت کرده بود که در اعتراضات روز عاشورا دستگیر و تحت شکنجه های وحشیانه جسمی و روحی قرار می گیرد. بازجویان وزارت اطلاعات در بند سپاه زندان گوهردشت کرج و در بند 209 زندان اوین او را تحت شکنجه ها و فشارهای قرون وسطایی قرار دادند و وی را وادار به اعترافات تلویزیونی علیه خود کردند. این اعترافات دروغین از تلویزیونهای دولتی پخش گردیده است. بازجویان وزارت اطلاعات اعترافات دروغین تلویزیونی را به عنوان اتهام علیه او بکار برده اند و قصد دارند که او را بر مبنای محاربه محاکمه کنند. (فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران - 89/4/20)

جدیدترین نسل دارا و سارا هم آمد

مدیرکانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مازندران گفت: در نمایشگاه نور و نجابت مازندران، جدیدترین نسل عروسک‌های دارا و سارا با پوشش اسلامی به فروش می‌رسند.

به گزارش فارس، قاسم عزیززاده گرجی افزود: برخی خانواده‌ها به بهانه بچه بودن در پوشش مناسب فرزندان کوتاهی می‌کنند و در سنی که تکلیف اجرای رعایت حجاب برهمه واجب می‌شود دچار مشکل شده و به راحتی نمی‌توانند در انتقال ارزشهای دینی به فرزندان موفق باشند. (سایت تابناک (رژیم) - 89/4/20)

شیوع هپاتیت در بند یک زنان زندان اوین

شیوع هپاتیت در بند یک زنان زندان اوین، وجود حشرات موذی به خصوص شپش و نبود وسایل بهداشتی و سرمایشی از یک سو و درگیری هر روزه زندانیان عادی با زندانیان سیاسی شرایط زندانیان زن سیاسی را روز به روز در اوین سخت تر می‌کند.

به گزارش جرس، وضعیت این بند در شرایط بحرانی قرار دارد ولی هیچ اقدامی برای کنترل این وضعیت از سوی مسئولان صورت نمی‌گیرد. وجود حشرات موذی از جمله شپش موجب شده تعداد از زنان مجبور به تراشیدن موهای خود را از ته شوند.

علاوه بر این نبود کولر و آب خنک در گرمای بسیار بالای هوا، زندانیان را با سختی بسیار مواجه کرده است. (جرس- 89/4/24)